

# نامگذاری فرزندان در اسلام

مؤلف:

صادق رجبیان تمک

عنوان کتاب:

نامگذاری فرزندان در اسلام

مؤلف:

صادق رجبیان تمک

مترجم:

موضوع:

فقه و اصول - احوال شخصیه (نکاح، طلاق، جنایز...)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

- فهرست مطالب.....أ
- نامگذاری فرزندان در اسلام ..... ۱
- چه وقت نوزاد نامگذاری می شود؟..... ۱
- نامگذاری با نام‌های غیر عربی..... ۱۰
- منابع کتاب ..... ۱۲



## نامگذاری فرزندان در اسلام

یکی از امور پسندیده اجتماعی آن است که پس از تولد فرزند، پدر و مادر برای او نامی انتخاب می‌کنند تا با آن شناخته شود و برای دور و نزدیک قابل شناسایی باشد و چون شریعت اسلامی کامل شد و هیچ موردی را فروگذار نکرده است، به این نکته نیز توجه نموده و به آن اهمیت داده است و احکامی وضع نموده که نشانگر توجه این عقیده والا به موضوع فوق است، تا امت اسلامی تمامی مسائل مربوط به نوزاد را هم بداند و تمامی آنچه را که باعث ارتقاء و تکامل شخصیت و تربیت او می‌گردد بشناسد و بکار گیرد.

### چه وقت نوزاد نامگذاری می‌شود؟

اصحاب سنن از «سمره» روایت می‌کنند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «كُلُّ غُلَامٍ رَهِيْنٌ بِعَقِيْقَتِهِ تُذْبِحُ عَنْهُ يَوْمَ سَابِعِهِ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ وَيُسَمَّى».  
«هر بچه‌ای در گرو عقیقه‌اش<sup>(۱)</sup> است که روز هفتم، (گوسفندی) از طرف وی سربریده می‌شود و در آن روز نامگذاری شده و سرش را می‌تراشند».

بنابراین، حدیث نامگذاری نوزاد باید در روز هفتم بعد از ولادت باشد و از طرف دیگر احادیثی داریم که دلالت دارد بر اینکه نامگذاری نوزاد در همان روز ولادت است.

«امام بخاری» و «امام مسلم» از «سهل بن الساعدی» روایت می‌کنند که می‌گوید:

---

۱- عقیقه به مفهوم ذبح گوسفند به جهت تولد نوزاد در روز هفتم ولادت.

وقتی «منذر بن ابواسید» متولد شد او را نزد رسول اکرم ﷺ آوردند، پیامبر ﷺ نشسته بود و بچه را بر روی زانویش نهاد در حالی که «ابواسید» نشسته بود، پیامبر اکرم ﷺ به چیزی که در برابرش بود سرگرم شد، «ابواسید» امر کرد تا بچه را از روی پای حضرت رسول ﷺ بردارند.

پیامبر ﷺ فرمودند: بچه کجاست؟ «ابواسید» گفت: ای رسول خدا! بچه را برگردانیدیم.

پیامبر ﷺ فرمود: اسمش چه بود؟ گفت: اسمش فلان بود.

فرمودند: خیر، بلکه اسم او منذر است.

همچنین در صحیح «مسلم» در حدیث سلیمان بن المغیره، از ثابت از «انس رضی الله عنه» آمده که گفت:

پیامبر ﷺ فرمودند: امشب بچه‌ام دنیا آمد، او را به نام پدرم ابراهیم نام نهادم.

از احادیثی که گذشت، چنین بر می‌آید که در اسم گذاری از لحاظ زمانی وسعت زیادی هست، جایز است که در همان روز اول ولادت باشد و می‌شود آن را تا سه روز به تأخیر انداخت و یا در روز عقیقه نوزاد که روز هفتم است، می‌شود انجام گیرد و قبل از عقیقه و بعد از آن هم مجاز است.

بر پدر و مادر واجب است که بهترین و زیباترین نام‌ها را برای فرزندان خویش انتخاب کنند، پیامبر گرامی ما که درود و سلام خدای بر او باد - در این باره مسلمانان را تشویق نموده و به انجام آن امر فرموده‌اند:

«إِنَّكُمْ تُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَسْمَائِكُمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِكُمْ فَأَحْسِنُوا  
 أَسْمَاءَكُمْ»<sup>(۱)</sup>. «روز قیامت شما را با نام‌های خود و پدرانتان صدا می‌زنند،  
 پس نام‌های نیک برگزینید».

و همچنین از ابن عمر رضی الله عنهما آمده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:  
 «إِنْ أَحَبَّ أَسْمَائِكُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ» «محبوب‌ترین  
 نام‌هایتان نزد خدای عزوجل «عبدالله» و «عبدالرحمن» است.»  
 اما اسلام اصولی برای نامگذاری کودک قائل شده است:

نام نیک باشد، به طوری که مردم آن را قبیح و زشت نشمارند و کودک  
 پس از بزرگ شدن و به حد بلوغ رسیدن از آن اکراه نداشته باشد و یا کرامت  
 و احترام فرزندان را خدشه دار نکند و باعث استهزاء نشود.

نام بیانگر بدبینی و تشاؤم<sup>(۲)</sup> نباشد، و یا معنی آن ناپسند نباشد، در  
 ضمن نام شخصی نباشد که بر فسق و فجور در میان مردم مشهور است و  
 امثال آن، این گونه اسامی برای نامگذاری مناسب نیست. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله  
 نام‌های زشت را به نام‌های نیک تغییر می‌داد. همچنین پدر مادر و برهیچکس  
 دیگر جایز نیست که فرزندان و یا کسانی را با القاب زشت صدا کنند، القابی  
 مانند «قصیر» (کوتوله یا کوتاه) «اعور» (یک چشم) «اخرس» (لال)  
 «خنفساء» (سوسک سیاه) و مانند آن. زیرا خدای متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ [الحجرات: ۱۱].

«و یکدیگر را با القاب (لقب‌ها) زشت و ناپسند مخوانید و نمانید.»  
 استاد شهید سیدقطب در تفسیرش فی ظلال القرآن در رابطه با این آیه  
 می‌گوید:

۱- روایت ابوداود حدیث حسن.

۲- تشاؤم: فال بدزدن به چیزی (لغت نامه‌ی دهخدا).

«از جمله تمسخرها و عیبجویی‌ها مردمان را ملقب به القاب زشت و قبیح نامیدن است.

القابی که مردمان از آن‌ها بدشان می‌آید و احساس می‌نمایند ایشان را مورد استهزاء قرار می‌دهند و بدان القاب ننگین شان یاد شان می‌کنند. ادب مؤمن هم اقتضاء می‌کند که برادر خود را با همچون القابی اذیت و آزار نرساند.

پیامبر خدا ﷺ اسم‌ها و لقب‌هایی را تغییر داد که در دوره جاهلیت برکسانی گذاشته بودند با احساس تیزبین و هوش سرشار و دل بزرگوارش درک و فهم فرموده بود که چنین نام‌ها و لقب‌هایی دارندگان خود را ننگین می‌دارند و ایشان را می‌آزارند، یا آنان را به صفت نکوهیده و ناپسند متصف می‌سازند».

این آیه پس از اشاره به ارزش‌ها و معیارهای حقیقی در ترازوی خدا، و پس از به جوش و خروش در انداختن احساس و شعور برادری، بلکه احساس و شعور جای گرفتن در پیکره فرد یگانه‌ای، معنی ایمان را برمی‌انگیزد، و مؤمنان را از فقدان این وصف بزرگوارانه، و از دررفتن از آن، و انحراف از آن، به سبب تمسخر کردن و عیبجویی نمودن و به القاب زشت و پلشت ملقب ساختن، می‌ترساند و برحذر می‌دارد: ﴿بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾ (برای مسلمان) چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه آلود (دال بر تمسخر، و طعنه زدن و عیبجویی کردن، و به القاب بدخواندن) گفتن و برزبان راندن.»

تمسخر کردن و عیبجویی نمودن و دیگران را به القاب زشت و پلشت خواندن، چیزی است که به برگشت از ایمان می‌ماند! این آیه تهدید می‌کند



که چنین کارهایی ظلم بشمار می‌آید، و ظلم یکی از تعبیرات شرک است:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

«کسانی که (از چنین اعمالی و اقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند (و با سخنان نیشدار، و باخرده گیری‌ها، و ملقب گرداندن مردم به القاب زشت و توهین آمیز، به دیگران ظلم می‌کنند)».

بدین وسیله این آیه پایه‌های ادب درونی و خلق و خوی روحانی را برای بنیاد جامعه فاضل و بزرگوار بالا می‌برد و استوار می‌دارد.

امام ترمذی و ابن ماجه از ابن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کنند: که همانا حضرت عمر دختری به نام «عاصیه»<sup>(۱)</sup> داشتند، رسول خدا نامش را به «جمیله» تغییر دادند. ابوداود روایت می‌کند: پیامبر اکرم این نام‌ها را تغییر داد: عاصی، عزیز، عتله<sup>(۲)</sup>، شیطان، حکم، غراب، حباب<sup>(۳)</sup> و همچنین ابوداود روایت می‌کند که نام‌های ذیل را رسول خدا بدین گونه تغییر دادند: نام «حرب» را که به معنی جنگ است و «سلم» که به مفهوم صلح است، عوض کردند. نام «مضطجع»<sup>(۴)</sup> را به منبعث و «بنی الزّنیه»<sup>(۵)</sup> را بنی الرّشده» تغییر داد.

۱- عاصیه: طغیانگر، کسی که فرمان نمی‌پذیرد.

۲- عتله: شدت و غلظت.

۳- نام نوعی مار است.

۴- مضطجع: خوابیده، منبعث: برخاسته.

۵- بنی الزّنیه: یعنی فرزندان زنا، بنی الرّشده: فرزندان رشد و آماده‌گی.

نام، بیانگر تکبر، عظمت و خودبینی نباشد: در حدیث صحیح روایت شده است که پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: «أَخْنَعُ إِسْمٍ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ تُسْمَى مَلِكُ الْأَمْلاكِ، لَا مَلِكَ إِلَّا اللَّهُ»<sup>(۱)</sup>.

«زشت‌ترین نام نزد خداوند متعال در روز قیامت مردی است که خود را شاه شاهان، شاهنشاه نام نهاده باشد، در صورتی که فقط خداوند متعال مالک و صاحب این جهان است.»  
بر والدین واجب است که از گذاشتن نام‌هایی که به خداوند سبحان اختصاص دارد، خودداری کنند.

مثلاً گذاشتن (اسماء الله الحسنى) مانند: احد، صمد، خالق، رازق، رحمان، مهیمن، جبار، متکبر، باری و یا در نام خانواده گی بکار بردن مانند: الهی ثانی، رحمان زاده، رحمانی، رحمانی نژاد، خالقی، خالق نژاد، خالق نیا، خالقی پور، خالقی زاده، خالق پور، سبحان زاده امان بردی، مشهدبردی (یعنی فرزند را به او مشهد بخشیده است) و امثال آن حرام است. به همین ترتیب، نامگذاری با نام‌هایی که مختص خداوند متعال نیستند، اما علامت معرفه دارند، مانند: العزیز، الحکیم، العلی، العلیم و امثال آن جایز نیست، ولی توصیف اشخاص با آن اسامی به صورت نکره هیچ اشکالی ندارد، و همان طور که شاهد هستید نام‌هایی چون علی و حکیم نام اصحاب پیامبر بود یا اسامی دیگری مانند: عزیز، حلیم، رئوف، کریم، رشید، هادی، نافع و امثال آنکه از این قبیل است، سنت است که تسمیه‌ی اشخاص با یکی از نام‌های پیامبران و صالحان باشد، تا از یک طرف یادی از آن بزرگان گردد و از طرف دیگر سبب تشویق و ترغیب و پیروی از آنان شود.

نام، بیانگر پرستش غیر خدا نباشد، مانند: عبدالکعبه، عبدالنبی، عبدالرضا، عبدالرسول، عبدالحسین، عبدالمحمد، محمدقلی، مشهدقلی، ارازقلی، اولیاءقلی، ایشان قلی، جمعه قلی، پیغمبرقلی، براتقلی، عوض قلی، امیرقلی، حیدرقلی، خدرقلی، امان قلی<sup>(۱)</sup>، یا نام‌هایی که میان غیر عرب معروف است مانند: غلام احمد، غلام علی، غلام گیلانی و امثال آن‌ها از جمله نام‌های حرام هستند.

این حزم روایت می‌کند که امت بر تحریم هرگونه نامی که بیانگر پرستش غیر خدا باشد، جز «عبدالمطلب» اجماع دارند.

اما در اینجا شاید سئوالی برای خواننده عزیز پیش آید، سئوال و آن اینکه، اگر این نام‌ها حرام هستند، چرا پیامبر اکرم در غزوه «حنین» در گرماگرم و بحبوحه جنگ بر بلندی رفته و فریاد برآوردند:

«أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبَ أَتَا ابْنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ»<sup>(۲)</sup>.

منم پیامبر بر حق، دروغ نیست منم فرزند عبدالمطلب باید در جواب گفت: که درست است که پیامبر کلمه «عبدالمطلب» را بر زبان جاری کردند ولی این نام بردن از باب انشاء و ابتداء نبود، یعنی این نام را ایشان (پیامبر) ایجاد نکرده است و قبل از جاری ساختن آن بر زبان، ابتدا آن نام را بر شخص معین گذاشته بودند.

«ابن القیم» می‌گوید: در اینجا رسول خدا ﷺ اسمی را بیان کردند و خبر از نامی دادند که مسمای آن که پدر بزرگ ایشان بود قبلاً به این نام شناخته شده بود.

۱- نام‌هایی که همراه با قلی آمده در بین اقوام ترکمن نامگذاری و معروف است.

۲- بخاری ۲۹۳۰، مسلم ۴۵۰۷، امام احمد ۱۸۴۹۵ و ۱۸۵۰۲.

خصوصاً در مواضعی که در آنجا رسول خدا ﷺ در مقابل دشمنان، مبارزه طلبی می نمودند، پس در مواضعی مانند موضع رسول اکرم ﷺ در جنگ «حنین» حرام نیست.

دلیل دیگر آنست که اصحاب رسول خدا ﷺ در مقابل ایشان نام قبایل شان را مانند: «بنی عبدمناف» «بنی عبدشمس» و «بنی عبدالدار» می بردند و آن حضرت آنان را نهی نمی کرد، زیرا نامی است که قبلاً گذاشته شده و کسی یا گروهی با آن نام خاص شناخته می شوند.

نکته قابل توجه در بحث اخیر آن است که نامهایی که عبودیت غیر خدا را می رساند، اگر بخواهیم از آن خبر دهیم اشکالی ندارد، ولی اگر ایجاد نمائیم و یا خود ابتداء به شخص معینی بگذاریم، قطعاً حرام خواهد بود.

و والدین محترم باید از اسمهایی که دلالت برگداختگی و عشق سوزان و سرگستگی دارد پرهیزند مانند: «هیام» (عاشق سرگشته) «هیفاء» (کمر باریک) «نهاد» (دخترسینه برجسته) «میاده» (زن لرزان) «غاده» (زن نرم اندام) «احلام» (جمع حلم به مفهوم عقل و بردباری یا جهالت) و از نامهای مشابه که خود می توانیم براساس این قاعده آن را دریابیم.

نامگذاری فرزندان با اسمهایی که بیانگر انزجار از اینکه فرزند دختر شده است، اشکال دارد:

در پرتو همین رهنمون قرآن و سنت نبوی نامگذاری فرزندان که بیانگر انزجار از اینکه فرزند دختر شده است اشکال دارند نامهای همچون: بَسْدِر (بس است) قیزسونگی (آخرین دختر یا پایان دختران) دویدق (سیرشدن از فرزند دختر) اوغل دوندی (آرزوی پسر را داشته، زمانی که آن اولاد دختر بوده و به او می گفتند: اوغل دوندی از حالت مؤنث به مذکر تبدیل بشود) اوغل گِریگ (فرزند پسر می خواهم) خداوند متعال در قرآن کریم چنین می فرماید:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۖ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾﴾ [النحل: ۵۸-۵۹].

«و هرگاه به یکی از آنان مزده تولد دختری بدهی چهره‌اش سیاه می‌شود، در حالیکه خشمگین است به دلیل خبرنا خوشایندی که به او داده‌اند، خود را از دید قوم پنهان می‌کند و در این اندیشه است که آیا او را با خفت و خواری نگهدارد یا زنده به گور کند، به راستی که بد حکم می‌کنند.»

حال اگر کسی بازهم خبر تولد دختر را ناخوش بدارد به علت ضعف ایمان و عقیده متزلزل اوست چرا که به تقدیر الهی راضی نیست، اگر درست بیندیشد، در میابد که والدین طفل و تمامی اهل زمین اگر دست به دست هم بدهند قادر به تغییر قانون الهی نیستند. ویاعقیده دارند که فرزندی بعد از دنیا آمدن فوت می‌کرد، مادر ویانوزادبعدی رابه مکانی بنام أُجُوق و یا خانقاه می‌بردندکه جایگاه دراویش است (ویا هر مکانی نظیرآن) که از ایشان می‌خواستند که نوزاد آنان را از مرگ حتمی محفوظ نماید و یا زنانی که نازا هستند فرزندی ببخشاید، وهمچنین نام‌هایی نظیر: تاج دردی، حاجی دردی (ماندن) یعنی با گفتن چنین کلمه به نظرشان جان کودک از خطر مرگ نجات پیدا می‌کرد و او را به آن نام، نامگذاری می‌کردند. ولی این کار در توانایی کسی است که مالک آن باشد و بر آن توانایی داشته باشد که فقط خدای سبحان است که آن توانایی را دارد، و او است که برکت را می‌فرستد و آن را ثابت نگه می‌دارد، خداوند متعال در قرآن کریم تمامی درِ بخشیدن فرزند دختر و پسررا، بغیر از خودش بسته و او بر همه چیز قادر و تواناست و در قرآن کریم در رابطه با بخشیدن اولاد و علم آن چنین می‌فرماید:

﴿مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ﴾ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ [الشوری: ۴۹-۵۰].

«هرچه خواهد می‌آفریند. به هرکس خواهد دخترانی می‌بخشد و به هرکس که خواهد پسرانی عطاء می‌کند و یا این که هم پسران می‌دهد و هم دختران. و خدا هرکه را خواهد نازا می‌کند. او بس آگاه و توانا است.»

همه این حالات تابع مشیت و اراده خدا است. هیچ کسی جز خدا در این حالت دخالت ندارد، او است که برابر علم و آگاهی خود همچون حالاتی را مقدر و مقرر می‌فرماید، و یکایک آن‌ها را با قدرت و قوت خویش اجراء و تنفیذ می‌نماید: ﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ «او بس آگاه و توانا است.»

این چنین نام‌های بی محتوا که در بین اقوام ترکمن نامگذاری می‌شود، که چنین نامگذاری با نص صریح قرآن و سنت مخالف است، باید پرهیزند. اما چرا این نام‌ها مطلوب نیست؟ در جواب باید گفت: این نام‌ها اعتبار امت اسلامی را لکه دار و هویت او را نابود کرده و معنویات او را از بین می‌برند.

### نامگذاری با نام‌های غیر عربی

حکم اسلام به وجوب برگزیدن نام‌های عربی یا غیر عربی برای فرزندان پسر یا دختر نیست بلکه چنین مسئله‌ای را به خود خانواده واگذار کرده است ولی از آنان می‌خواهد که در نامگذاری فرزندان خود از نام‌های نیک استفاده کنند. هیچ فقیهی نامگذاری اشخاص را با یکی از نام‌های غیرعربی - اگر آن نام در آن زبان نیکو باشد - ممنوع ندانسته است. بسیاری از مسلمانان پس از آنکه اسلام را پذیرفتند بر نام‌های غیرعربی خود باقی ماندند، با وجود اینکه در محیطی عربی بودند. نمونه‌ی بارز آن «ماریه»ی

قبطی مادر ابراهیم پسر پیامبر گرامی ﷺ است، که با همان نام قبطی مصری در میان مسلمانان مشهور است.

وقتی که به اسامی اصحاب و تابعان آنان نظری بیافکنیم، در می‌یابیم که نام‌های حیوانات و پرندگان است، مانند اسد، فهد، هیثم، صقر و... یا از نام جمادات و اشیای طبیعی است، مانند: بحر، جبل، صخر و... یا از اوصاف مشتق شده است، مانند: عامر، سالم، عمر، سعید، فاطمه، عائشه، صفیه، میمونه و... یا نام یکی از پیامبران و صالحان پیشین است، مانند: ابراهیم، اسماعیل، یوسف، موسی، مریم و...

در پرتو چنین اصولی است که پی می‌بریم هر مسلمان می‌تواند از نام‌های عربی و غیرعربی برای نامگذاری فرزندش استفاده کنند.

صادق رجبیان تمک

کلاله - توتلی تمک

## منابع کتاب

۱. قرآن کریم
۲. تفسیر فی ظلال القرآن
۳. صحیح بخاری
۴. صحیح مسلم
۵. سنن ترمذی
۶. سنن ابی داوود
۷. سنن ابن ماجه
۸. سنن نسائی
۹. دیدگاه‌های فقهی معاصر (فتاویٰ معاصر) دکتر یوسف قرضاوی
۱۰. چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟ (تربیه الاولاد فی الاسلام) - عبدالله ناصح علوان
۱۱. توسل (وساطت بین خدا و بندگان) ابراهیم محمدی
۱۲. نبی رحمت - ابوالحسن ندوی
۱۳. زیارت مسنون - صادق رجیبیان تمک